



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۴/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

مزایا و معایب آموزش فراگیر

محمد همتی^۱، مهدی تپه رشی^۲

۱- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده اول: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

۲- درجه علمی (یا سمت کاری) نویسنده دوم: لیسانس علوم تربیتی آموزش ابتدائی (آموزگار)

آدرس پست الکترونیک نویسنده رابط: hemati6681997@gmail.com

چکیده

امروزه یکی از محورهای اصلی در بحث های مربوط به آموزش و پرورش کودکان استثنایی، آموزش تلفیقی است که تمام عناصری را که در مفاهیم بهنجارسازی یا عادی سازی و محیطی با حداقل محدودیت وجود دارد، شامل می شود. پیشگامان آموزش پرورش ویژه در دهه های گذشته معتقد بودند تمرکز کودکان دارای نیازهای ویژه، معلمان آموزش ویژه و امکانات و تجهیزات خاص در یک محیط باعث تسهیل در ارائه ی خدمات شده و امکان رشد مهارت های حرفه ای کودکان در چنین محیط هایی بیشتر می شود. اما انتقادات دان (۱۹۶۸)، نیرچه (۱۹۶۹) و وارناک (۱۹۷۸) نسبت به جداسازی آموزش کودکان استثنایی، شعله ی نهضت بهنجارسازی و یکپارچه سازی را فروزان کرد.

امروزه در اکثر جوامع سعی می شود کودک دارای معلولیت از خانواده و جامعه جدا نشده و حتی المقدور امکانات و خدمات جامعه بصورت قابل دسترسی در اختیار کودک و خانواده او قرار گیرد. توجه به حقوق بشر، آموزش برای همه، فراهم کردن فرصت های برابر، پذیرش اجتماعی تمام شهروندان یک جامعه و تسهیل فرایند اجتماعی شدن یا جامعه پذیری از مهم ترین اصول برنامه های یکپارچه سازی محسوب می شوند.

برنامه آموزش فراگیر بر این نکته دلالت دارد که کودکان دارای نیازهای ویژه باید همان قدر به نظام آموزش و پرورش مناسب دسترسی داشته باشند که کودکان عادی دسترسی دارند. در این مقاله مزایا و معایب برنامه آموزش فراگیر توضیح داده می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

مقدمه

بر اساس سوارت (۲۰۰۴) و دسین و میل وارد (۲۰۰۰) آموزش فراگیر به عنوان فرایندی تعریف می شود که در آن دانش آموزان از هر سن و جنس و با هر توانایی و محدودیتی که دارند بدون توجه به زبان، پیشینه اجتماعی شدن، مذهب و یا بیماری های خاص مانند: HIV در مدارس پذیرفته می شوند. یعنی بر اساس این برنامه جامعه ای آزاد و متنوع از نظر آموزشی در مدارس تشکیل می شود.

تلفیق یا یکپارچه سازی از نظر لغوی عبارت است از با هم آوردن و به هم پیوستن. این لغت در فرهنگ انگلیسی کودکان استثنایی معادل واژه integration است. به عبارت دیگر در آموزش تلفیقی دانش آموز استثنایی در مدارس عادی و همراه با دانش آموزان عادی و با همکاری معلم های رابط که از سوی کارشناسان آموزش و پرورش استثنایی تعیین می شوند، به تحصیل می پردازند. دانش آموزی که برای آموزش تلفیقی در نظر گرفته می شود، دانش آموزی است که دارای محدودیت های جسمانی و ذهنی است اما درجه معلولیت او در حد خفیف است، بنابراین با استفاده از وسایل کمک آموزشی و توانبخشی و معلم رابط قادر است در مدارس عادی به تحصیل بپردازد.

❖ مزایای آموزش فراگیر برای گروه های مختلف

آموزش فراگیر بعنوان یک برنامه ی آموزشی که مدافعان و مخالفان خاص خود را دارد، شامل مزایایی می شود که در این مقاله سعی شده تا به تعدادی از مزایای آن برای گروههای مختلف (دانش آموزان استثنایی، دانش آموزان عادی، معلمین و جامعه) اشاره شود.

الف) دانش آموزان استثنایی

بر اساس پژوهش های به عمل آمده مراکز آموزش استثنایی نمی توانند پاسخگوی تمام نیازهای تحصیلی و اجتماعی افراد باشند، در حالی که در نظام آموزش تلفیقی این مشکلات کمتر به چشم می خورد و به عبارتی، فرد استثنایی خود را عضوی از جامعه تلقی کرده ضمن تقویت عزت نفس، باورهای فردی و درک تعاملات اجتماعی، حتی در پی رقابت نیز بر می آید.

در بسیاری از کشورها آموزش و پرورش به این سمت سوق داده می شود که تا حد امکان دانش آموزان دارای مشکلات خاص همچون دانش آموزان مرزی دارای هوش به در این بین فرصتی برای رشد دوستی ها و روابط میان مدارس عادی راهنمایی شوند و در مدارس عادی مانند دیگر دانش آموزان بدون مشکل به تحصیل بپردازند زیرا در آن صورت هم از امکانات عمومی و آموزش و پرورش عادی بهره مند می شوند و هم تحت تاثیر برجسب استثنایی بودن و متفاوت بودن قرار نمی گیرند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

یکی از فواید آموزش فراگیر ایجاد فرصت برای کودکان دارای نیازهای ویژه است که با بچه های همسال خود آموزش ببینند که ضمن آن الگوهای رفتاری آنها از طریق همسالان بهبود می یابد.

دانش آموزان دارای نیازهای ویژه در رشد روابط بین فردی با همسالان عادی خود توانایی بدست آورده و می توانند از حضور دانش آموزان عادی بعنوان الگوهای مناسب رفتاری استفاده کند. آموزش فراگیر محیطی محرک برای رشد و یادگیری کودکان دارای نیازهای ویژه فراهم می کند.

این کودکان در کنار همسالان خود تاییدات فردی فراوانی دریافت می کنند که این تاییدها به افزایش عزت نفس و تقویت حس مثبت آنها می انجامد، والدین گزارش کرده اند که تغییرات مفیدی در اعتماد بنفس، فهم از تنوع و اختلاف در افراد جامعه در کودکانشان مشاهده کرده اند.

در این بین فرصتی برای رشد دوستی ها و روابط میان فردی شکل می گیرد که باعث می شود کودک دارای نیازهای ویژه خود را عضوی از جامعه تلقی کرده و احساس کند که جامعه همانند خانواده ای می باشد که او عضوی از آن است، نتایج نشان میدهند که دانش آموزان با مشکلات حسی حرکتی در مدارس تلفیقی از میزان پذیرش بالاتری توسط همکلاسی ها برخوردارند. این برتری در مدارس تلفیقی بیانگر این است که تجربه ی تماس و آشنایی با کودکی که نیازهای ویژه دارد می تواند بر پذیرفته شدن این دانش آموزان توسط دانش آموزان عادی اثرگذار باشد. توماس و وب (۱۹۹۸) دریافتند که تأثیر آموزش تلفیقی بر پیشرفت تحصیلی و رشد اجتماعی دانش آموزان استثنایی از کم تا متوسط است. نتایج پژوهش کلووین " و مورس " (۱۹۸۵) حکایت از آن دارد که عملکرد دانش آموزان ناشنوای تلفیقی نسبت به دانش آموزانی که در مدارس ویژه درس می خوانند بهتر است.

کودکانی که به صورت کامل تلفیق می شوند می توانند از استانداردهای آموزشی که در مدارس جریان دارد بهره مند گردند. از نظر لیدبتر (۱۹۹۳) وجود و رشد نظام تلفیقی در اثر رشد دموکراسی و قوانین بشری و انسان دوستانه است، زیرا در این سامانه آموزشی تبعیض ها زدوده شده و انزوای اجتماعی یک گروه در جامعه از بین می رود.

رافرتی و همکاران او (۲۰۰۳) در پژوهشی نشان دادند که برنامه های فراگیر سازی باعث رشد زبان و مهارتهای اجتماعی در کودکان دارای نیازهای ویژه می باشند زیرا کودکان دارای نیازهای ویژه که در برنامه های یکپارچه سازی شرکت کردند نسبت به کودکان برخوردار از برنامه های ویژه با محیط مجزا، از رشد زبانی و مهارت های اجتماعی بهتری برخوردار بودند.

نتایج پژوهش گرامی نشان داد که آموزش زبان به نابینایان با شیوه ی فعلی (محیط آموزشی ویژه) به دلیل عدم تعامل اجتماعی و زبانی نابینایان با دانش آموزان عادی مناسب نیست و دانش آموزان نابینا می توانند همانند دیگر دانش آموزان عادی در کنار دیگر افراد عادی با بهره مندی از روش های مناسب و دریافت وسایل و برنامه های کمک آموزشی به تحصیل خود ادامه دهند. در برنامه



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

های فراگیرسازی، کودکان دارای نیازهای ویژه مهارت هایی را می آموزند که به آن ها کمک می کند که در زندگی مستقل و موفق باشند. ضمن اینکه کودک دارای نیازهای ویژه زندگی مستقل را می آموزد، دوستان همسال او راه هایی را برای کمک به او می یابند. یکی از عوامل عمده در عدم پیشرفت تحصیلی، عوامل عاطفی (نقص و پذیرفته نشدن) می باشد. از این رو، کودکان دارای معلولیت بیشتر در معرض خطر بیشتر افت تحصیلی می باشند، بنابراین، این کودکان با حضور در شرایط آموزش فراگیر امکان بیشتری برای پذیرش و عادی بودن معلولیت خود داشته و پذیرش متقابل میان افراد عادی و استثنایی بوجود می آید.

(ب) دانش آموزان عادی

توماس و وب (۱۹۹۸) بر این عقیده اند که حضور دانش آموزان استثنایی در مدارس عادی هیچ گونه اثر منفی بر دانش آموزان عادی ندارد. برنامه ی آموزش فراگیر برای دانش آموزان عادی فرصتی را ایجاد می کند که تنوع در کلاس را تجربه کنند. در ضمن در آن ها این تفکر ایجاد خواهد شد که هر فردی ویژگی ها و توانایی های زیبا و منحصر به فردی دارد. در این کودکان حس احترام به دیگران رشد می کند. این کودکان همدلی را آموخته و برای کمک و آموزش به همکلاسی های خود آموزش می بینند. این گونه فرصتی ایجاد می شود تا آن ها خود را به جای همسالان خود گذاشته و محدودیت های آن ها را درک کنند.

در این خلال دانش آموزان عادی نیز می توانند درک درستی از ناتوانی و دانش آموز ناتوان به دست آورند. یکی از هدف های مهم یکپارچه سازی و آموزشی، فراهم کردن فرصت هایی برای تماس افراد عادی با افراد استثنایی است که سبب تغییر و اصلاح نگرش افراد عادی نسبت به افراد دارای نیازهای ویژه می شود.

فواید تحصیلی فراگیر سازی برای دانش آموزان عادی این است که آن ها نیز از حضور یک مربی آموزشی اضافی در کلاس بهره مند می شوند. بهبود یافتن روابط گروهی، اختصاصی شدن آموزش، رشد سازگاری آموزشی برای همه دانش آموزان حاضر در کلاس از نتایج برنامه ی فراگیر سازی می باشد.

دانش آموزان عادی در شرایط فراگیرسازی کامل می آموزند که دانش آموزان دارای نیازهای ویژه بخشی از جامعه هستند و می توانند استعدادها و دارایی های منحصر به فردشان را به جامعه بخشند. در تحقیقی که توسط هندریکسون و همکاران انجام شده است، نتایج حاکی از این است که دانش آموزان عادی عقیده داشتند حضور دانش آموزان دارای معلولیت شدید در کلاس های عادی باعث شکل گیری روابط دوستی عمیق بین آنها می شود. نتایج تحقیق کاووسی (۱۳۷۷) نیز شکل گیری دوستی های عمیق بین فراگیر دانش آموزان عادی و استثنایی را در شرایط یکپارچه سازی تأیید می نماید.

فایده ی دیگر حضور در مدارس تلفیقی این است هزینه های مدارس ویژه می تواند صرف مدارس عادی شده و در بهبود مواد درسی و بالا بردن کیفیت کار مدارس فراگیر استفاده شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

(ج) معلمان

برنامه آموزش فراگیر باعث می شود تا معلمان نسبت به وجود تنوع در جامعه ارزش قائل شده و به شناخت دانش آموزان دارای توانایی های مختلف اقدام کنند. این برنامه باعث می شود تا در معلمان آگاهی حساسیت نسبت به اهمیت آموزش فردی و مستقیم ایجاد شود. معلمان می آموزند که چطور خلاقیت را در دانش آموزان مختلف با توانایی های متفاوت شناسایی کنند. مهارت های گروهی افزایش یافته و معلم می آموزد تا با یکنواختی و خستگی در کلاس مبارزه کند.

(د) جامعه

بر اساس برنامه ی آموزش فراگیر احترام به حقوق مدنی همه ی افراد جامعه گسترش می یابد و از ارزش اجتماعی برابر حمایت می شود. معلمان در سطح جامعه آگاهی بیشتری یافته و نسل توانمندتری تربیت می کنند و در نتیجه صلح و آرامش اجتماعی به بالاترین سطح خود می رسد.

❖ معایب آموزش فراگیر

با نگاهی به برنامه های فراگیر سازی در کنار فواید این برنامه ها می توان شاهد کاستی هایی هم در این برنامه ها بود. فراگیرسازی کامل بهترین مکان و شرایط برای همه دانش آموزان نیست. کلاس های آموزش عادی حتما و صورت ویژه دارای برنامه ی آموزش فردی نمی باشند. بسیاری از طرفداران فراگیرسازی احساس می کنند که همه ی دانش آموزان دارای نیازهای ویژه باید به طور کامل در شرایط آموزش عادی در برگرفته شوند، در حالی که ممکن است حضور یک دانش آموز خاص باعث اخلال در آموزش دیگر دانش آموزان شود و این امر که یکی از آسیب های بزرگ فراگیرسازی است. اگر دانش آموزی آن قدر اخلال گر باشد که معلم نتواند تدریس کند چون موجب برهم خوردن شرایط مناسب یادگیری می شود، این شرایط برای دانش آموزان محیط های آموزش عادی خوب نیست. معلمان و والدین دانش آموزان عادی نگران این مسأله هستند که حضور دانش آموزان استثنایی در کلاس های عادی سطح استانداردهای آموزشی را پائین خواهد آورد و از اولویت های اجتماعی سازی آن ها خواهد کاست.

مشکل دیگر مربوط به خدمات آموزش ویژه و توان بخشی است که دانش آموزان استثنایی در شرایط تلفیق از آن ها به صورت مفید بهره مند نیستند. مانند: کاردرمانی، گفتاردرمانی. در ضمن معلمان آموزش عادی معمولا برای کمک به دانش آموزان دارای ناتوانی آگاهی کافی ندارند در حالی که یک معلم و متخصص آموزش ویژه این دانش را دارد. در نهایت، دانش آموز استثنایی فرصت خاصی که از معلم و محیط آموزشی خود دریافت می دارد، در شرایط آموزش عادی از دست خواهد داد. به نظر برنارد و برینکره و تورف (به نقل از گرامی، ۱۳۸۲) روش های تدریس در مدارس عادی جوابگوی نیازهای افراد استثنایی نیست و باعث رکود تحصیلی آنان می شود.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نتایج پژوهشی نشان داده دانش آموزان کم شنوای تلفیقی در مدارس عادی با مشکلات خاصی روبرو بوده اند که از آن میان می توان به کیفیت نامطلوب خدمات معلم رابط، نگرش والدین دانش آموزان تلفیق شده، پائین بودن سطح تحصیلات معلم، عدم رضایت شغلی معلم، سابقه ی پایین معلم و کمبود خدمات توانبخشی اشاره نمود.

دانش آموزان (دارای هوش مرزی) در کلاس های عادی به میزان چشمگیری روابط منفی با همسالان خود را تجربه می کنند و به نظر می رسد که در این موقعیت ها مورد غفلت واقع می شوند. آن ها همچنین از تعداد زیاد دانش آموزان در کلاس در رنج می باشند.

تقدیر و تشکر

از خانواده و تمامی دوستان دلسوز که همیشه ما را یاری کرده اند نهایت قدردانی را می کنیم. خداوند همیشه طعم شیرین موفقیت را به آنان بچشاند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع:

۱. ادیب سرشکی. نرگس. صالحپور، یگانه (۱۳۸۴)، پذیرش همسالان از دانش آموزان دارای اختلالات حسی حرکتی در مدارس تلفیقی و غیر تلفیقی (عادی) شهر تهران. مقالات پژوهشی. دوره ششم، شماره ۲۱، ص ۳۵-۲۹.
۲. به پژوه، احمد (۱۳۷۶). یکپارچه سازی و اصلاح نگرش نسبت به افراد عقب مانده ذهنی، خلاصه مقالات همایش نخستین کنگره علمی عقب مانده ذهنی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی و معاونت توانبخشی سازمان بهزیستی کشور.
۳. توکلی، مهین (۱۳۷۸)، مقایسه پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دچار نقص شنوایی در سیستم تلفیقی و سیستم مدارس خاص. سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
۴. کاووسی، شهین (۱۳۷۷). نگرش دانش آموزان عادی نسبت به دوستی با دانش آموزان دارای معلولیت شدید در دبیرستان های تلفیقی شهر مشهد. سازمان آموزش و پرورش استثنایی.
۵. کرک، ساموئل، گالاگر، جیمز (۱۹۹۳)، آموزش و پرورش کودکان استثنایی، ترجمه ی مجتبی جوادیان (۱۳۷۶). انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. کله، پیترو. چان، لورنا (۱۹۹۰). روش ها و راهبردها در تعلیم و تربیت کودکان استثنایی، ترجمه ی فرهاد ماهر (۱۳۷۶). انتشارات تومس.